



درس بیست و یکم

سوره انعام: آیات (۶۵ - ۷۰)

درس بیست و یکم
سوره انعام: آیات (۶۵-۷۰)

نکات مهم آیات:

۱. انواع عذاب‌های الهی عبارتند از: ۱. عذاب از

بالا؛ ۲. از پایین؛ ۳. اختلاف‌های داخلی؛ ۴.

جنگ و خونریزی؛

۲. خداوند حقایق را در سطح فهم گروه‌های

مردمی بیان می‌کند تا برای همه اتمام حجت

شود؛

۳. گرچه مشرکان از تکذیب پیامبر ص دست نمی کشیدند، ولی حضرت از طرف خدا مأمور نبود تا از تکذیب آنان جلوگیری کند و متعهد نبود که ضرر تکذیب شان به آنان نرسد؛
۴. مؤمنان حق ندارند در «مجالس دین ستیزی» شرکت کنند، مگر برای «نهی از منکر»؛
۵. به بازی گرفتن آموزه های دینی، نتیجه هواپرستی و دنیا طلبی است؛
۶. گاهی لازم است «دین ستیزان» را به خود واگذاریم و گاهی ضروری است با آنان جهاد کنیم.

لغات درس بیست و یکم

أَرْجُلُكُمْ:	پاهای تان	الذَّكْرَى:	توبه کردن، یادآوری کردن
يَلْبِسُكُمْ:	در هم آمیزد شما را	حَدِيثٍ:	سخن
شَيْعًا:	گروه‌ها	ذَر:	رها کن
يُذِيقُ:	بچشانند	اتَّخَذُوا:	گرفتند
بَأْسٍ:	رنج، آسیب	لَعِبًا:	بازی
نُصِرَفُ:	برمی گردانیم، بیان می کنیم	لَهُوًّا:	سرگرمی، امر بیهوده
يَقْقَهُونَ:	می فهمند	غَرَّتْهُمْ:	آنها را فریب داد
لَسْتُ:	نیستم	ذَكَرُ:	پند بده
وَكِيلٍ:	نگهبان	تُبْسَلَ:	گرفتار شود، هلاک می شود
كَذَّبَ:	تکذیب کرد، دروغ انگاشت	دُونِ:	غیر
نَبَأٌ:	خبر	تَعَدَّلَ:	فدیه دهد، عوض دهد
مُسْتَقَرٌّ:	قرارگاه، وقت مقرر برای وقوع	أُولَئِكَ:	اینان
سَوْفَ:	به زودی	أُبْسِلُوا:	به هلاکت افتاده‌اند
يَخْضُونَ:	فرو می روند	حَمِيمٍ:	آب جوشان
أَعْرَضَ:	روی بگردان	أَلِيمٌ:	دردناک
يُنْسِيَنَّكَ:	به فراموشی انداخت تو را		

❖ آیه ۶۵: قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا
 مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا
 وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ اَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ
 الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ

ترجمه: بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از
 زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه
 گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب
 بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بپشاند؛ بنگر
 چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می کنیم، باشد
 که آنان بفهمند.

تفسیر:

آیات قبل به گونه‌ای اظهار محبت الهی را به دنبال داشت و اینک نوبت انذار و هشدار است تا راه و رسم تربیت جامعه تکمیل گردد. این آیه، مشرکان و ستمگران را به چهار نوع عذاب تهدید کرده است:

۱. عذاب از بالا؛ ۲. عذاب از پایین؛ ۳. اختلاف و تفرقه داخلی؛ ۴. جنگ و خونریزی^۱. در این باره وجوهی گفته‌اند: ۱. منظور از عذاب بالای سر، صیحه و سنگ و طوفان و باد است؛ ۲. عذابی که بزرگان و زیردستان‌تان را فراگیرد؛ ۳. مقصود، پادشاهان ستمکار و بندگان بدکار و بی‌خیر است^۲.

۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۸۲.

۲. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۳۱.

تنوع عذاب‌های الهی:

۱. عذاب‌های آسمانی دو گونه هستند:

الف) عذاب حسی: مانند «صاعقه» که «قوم ثمود» را فرا گرفت و «بادهای تند ویرانگر» که «قوم عاد» را نابود ساخت و «سنگباران هوایی» که «سپاه ابرهه» را زمین گیر کرد یا «ابزارهای جنگی» مانند موشک، بمب شیمیایی و اتمی و...

ب) عذاب روحی: مانند خفت و حقارتی که قدرت‌های استبدادی مانند فرعون، به مردم روا می‌داشتند: (فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ ؛ فرعون قومش را حقیر کرد و آن‌ها نیز از او پیروی کردند. (سوره زخرف، آیه ۵۴)

۲. عذاب‌های زمینی نیز دو گونه هستند: الف) عذاب حسی: مانند «فرو رفتن قارون و خانه‌اش در زمین»^۳ و مانند «زلزله» که آن «قوم مکار» گرفتارش شدند^۴ و مانند «سیل» که «قوم سبأ» را نابود کرد^۵ یا مانند ابزارهای مخرب بشری همچون «مین».

ب) عذاب غیرحسی: مانند آنجا که ستمکاری را به دست ستمکاری دیگر عذاب می‌کند.^۶

۳. آیات مشابه: قصص/۸۱؛ ملک/۱۶؛ نحل/۴۵، ۴۶.

۴. سوره نحل، آیه ۲۶.

۵. سوره سبأ، آیات ۱۶، ۱۷.

۶. امروزه شاهد عذاب‌های آسمانی مانند عدم نزولات آسمانی، مخرب بودن برخی از نزولات آسمانی، آلودگی صوتی، فضای غبارآلود، فضای دودآلود و فضایی پر از امواج الکترونیکی خطرناک و چه بسا امواج تلویزیونی و ماهواره‌ای منحرف کننده هستیم. همچنین شاهد عذاب‌های زمینی مانند عریان شدن زمین از گیاهان مفید، بایر شدن زمین‌های کشاورزی و باغات، استفاده از انواع مواد شیمیایی مخرب در کشاورزی و... هستیم. (انعام/۱۲۹).

نکته: همان‌گونه که ظالمان، از آسمان و زمین عذاب می‌بینند، اهل تقوا هم از آسمان و زمین به نعمات الهی متنعم می‌گردند.^۷

۳. عذاب اختلاف: اگر عذاب‌های آسمانی و زمینی، خسارات مادی می‌زند، اختلاف و نزاع، دین و ایمان را متزلزل می‌سازد؛ چرا که هر گروه در پی اثبات ادعای خود، دست به دروغ، تهمت، تکفیر و... می‌زند و هر لحظه باعث افزایش معصیت خود می‌گردد. در بعد حکومتی، اختلاف از یک سو مایه ضعف اقتدار و شوکت حکومت و از سوی دیگر باعث طمع دشمنان می‌گردد؛ چنان که آیه ۴۶ سوره انفال و ۱۰۳ آل عمران بر آن گواه است.

۴. عذاب جنگ و خونریزی: سرانجام اختلاف، جنگ است و براساس ترتیب ذکر عذاب‌ها در آیه، جنگ داخلی، شدیدترین نوع عذاب‌هاست.^۸

روایت شده وقتی این آیه نازل شد، پیامبر ص از خداوند خواست که این عذاب‌ها را به امتش نرساند و خداوند فقط دو مورد اول را پذیرفت.^۹ بر این اساس، بعید نیست که ظاهر آیه، وضعیت حال امت رسول خدا ص پس از رحلت آن حضرت را پیشگویی کرده باشد؛ چنان که تاریخ گواه است که پس از آن حضرت، امت، فرقه فرقه شدند و در نهایت چه جنگ‌هایی بر پا شد و چه خون‌هایی از

۸. تسنیم، ج ۲۵، ص ۴۴۷ - ۴۵۶.

۹. روان جاوید، ج ۲، ص ۳۲۲.

مسلمانان ریخته شد^{۱۰} تا آنجا که از همه معصومینی که به شهادت رسیدند، حتی یک نفر آنها به دست کفار صورت نگرفته است.

انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ : «آیات»، یعنی بیان کردن حق با زبان‌های گوناگون به گونه‌ای که برای همه مردم قابل فهم و اتمام حجت باشد. بنابراین، قرآن پر است از براهین عقلی، موعظه، جدال احسن و... با این حال، قدرت درک و فهم همه یکسان نیست و هرکس به اندازه استقرارش می‌فهمد و به همان میزان نیز تکلیف خواهد داشت.^{۱۱}

۱۰. المیزان، ج ۷، ص ۱۹۵.

۱۱. تسنیم، ج ۲۵، ص ۴۴۶ - ۴۴۳.

□ آیه ۶۶: وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ

عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

ترجمه: و قوم تو آن [= قرآن] را دروغ شمردند در حالی که آن بر حق است. بگو من بر شما نگهبان نیستم.

تفسیر:

در ادامه آیه قبل، این آیه نسبت به وقوع عذاب، هشدار می‌دهد. از آنجا که این آیه در مکه نازل شده، مخاطب آن، اهل مکه و خویشان مشرک خود

پیامبر ص هستند که حق را می فهمیدند، ولی بر اثر تکبر و لجاجت زیر بار آن نمی رفتند و حضرت را دروغ گو می خواندند.

اما مشرکان چه چیزی را تکذیب می کردند (كَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ)؟ سه احتمال است: قرآن، تعریف آیات و عذاب. البته می دانیم که قریش مکه، هر سه مورد را تکذیب کردند؛ ولی سیاق آیه نشان می دهد که آن-ها عذاب را انکار کرده اند^{۱۲} و عاقبت این تکذیب گریبانگیر خود آنان می شود.^{۱۳}

قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ : وظایف پیامبر ص مشخص است: هدایت بوسیله انذار و تبشیر؛ بنابراین او دارای

۱۲. تسنیم، ج ۲۵، ص ۴۴۶ - ۴۴۳.

۱۳. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۳۴.

وظایفی همچون «وکالت مردم» یا «سیطره بر مردم»
و... نیست که بخواهد آنها را به هدایت الهی مجبور
کند و قدرت انتخاب را از آنها بگیرد. همچنین آن
حضرت، سیطره و نگهبانی بر مردم ندارد که جلو
ارتداد و انحراف و کفر آنها را بگیرد.^{۱۴}

❖ آیه ۶۷: لِكُلِّ نَبَأٍ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

ترجمه: برای هر خبری هنگام [وقوع] است و به
زودی خواهید دانست.

تفسیر:

این آیه، تهدید صریحی است از وقوع حتمی عذاب‌هایی که در آیات پیشین ذکر شده است^{۱۵} و هشدار می‌دهد که در انتخاب راه صحیح دقت کنید که خبرهای الهی، سرانجام در این جهان یا جهان دیگر قرارگاهی دارد و در موعد مقرر انجام خواهد یافت و به زودی با خبر خواهید شد.^{۱۶} این آیه، پاسخی است به مشرکانی که وعده‌های عذاب را صرفاً یک تهدید تو خالی می‌دانستند؛ ولی قرآن به آن‌ها خبر می‌دهد که نظام عالم طبق نظمی دقیق

۱۵. المیزان، ج ۷، ص ۱۹۸.

۱۶. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۸۶، ۲۸۷؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۳۴.

مقدر شده و هر اتفاقی در جایگاه ویژه خودش روی خواهد داد؛ پس آن‌ها نباید عجله کنند؛ اما بدانند که عذاب الهی، تکذیب‌کنندگان را در موعد مقرر، چه در دنیا و چه در آخرت فراخواهد گرفت.^{۱۷}

لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ: «نَبَأ» خبری است که سه ویژگی داشته باشد: ۱. فایده دارد؛ ۲. مهم و بزرگ است؛ ۳. اطمینان بخش است. مهم‌ترین خبری که همواره به مردم گوشزد می‌شد، «خبر برپایی قیامت» است؛ اما یکی از خبرهای عذاب دنیوی، «جنگ بدر» بود که بر اثر آن، قریش، طعم تلخ عذاب دنیوی را چشیدند و هفتاد تن از سران آن‌ها کشته شده و ده‌ها نفرشان

به اسارت درآمده و تمام عزت و شوکت-شان به باد
رفت.^{۱۸}

□ آیه ۶۸: وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا
فَاعْزِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا
يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ

ترجمه: و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه] در
آیات ما فرو می روند، از ایشان روی برتاب تا در
سخنی غیر از آن درآیند، و اگر شیطان تو را [در

این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجه
[دیگر] با قوم ستمکار منشین.

تفسیر:

شأن نزول: امام باقر ع فرمود: هنگامی که خدا فرمود: «پس از یادآوری، با قوم ستمکار منشین» مسلمانان گفتند: اگر باید هر جا که مشرکان به استهزای قرآن پرداختند، ننشینیم، باید از داخل شدن به مسجد الحرام و طواف بیت الله نیز خودداری کنیم، از این رو خدا فرمود: «وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ...» یعنی حساب آنان برعهده اهل تقوا نیست؛ بدین ترتیب آنان را امر کرد تا می توانند به ارشاد و هدایت مشرکان پردازند.^{۱۹} گرچه ظاهر آیه

خطاب به پیامبر ص است، ولی شواهد نشان می-دهند که مخاطب اصلی، مسلمانان هستند؛ زیرا رسول خدا ص، هیچ‌گاه حاضر به حضور در مجالس استهزا کنندگان نبود؛ ضمن این که عصمت پیامبر ص، اقتضا دارد که او مخاطب آیه نباشد؛ چرا که ایشان از سهو و فراموشی به دور است.^{۲۰} اگر «خوض» را گفتگوی بیهوده بدانیم،^{۲۱} [معلوم می‌شود که از شرکت در مجالسی که آیات قرآن را با سخنان بیهوده در می‌آمیزند، باید خودداری کرد] و همچنین معلوم می‌شود که اصل این گونه مجالس،

۲۰. تسنیم، ج ۲۵، ص ۵۰۳ - ۵۰۶.

۲۱. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۳۷.

ظلم است، چه این بیهوده گویی‌ها، خوض در آیات از سوی مشرکان باشد یا غیر آن‌ها.^{۲۲}

سؤال و جواب

سؤال: مگر شیطان می‌تواند بر پیامبر ص سلطه یابد و مطلبی را از یاد او ببرد؟

جواب: گفتیم که خطاب آیه در اصل به مسلمانان است و این خطاب در آیه، از باب «به در بگو تا دیوار بشنود»، است.^{۲۳}

آیه ۶۹: وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

۲۲. المیزان، ج ۷، ص ۲۰۰.

۲۳. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۸۹.

ترجمه: و چیزی از حساب آنان [= ستمکاران] بر عهده کسانی که پروا [ی خدا] دارند نیست، لیکن تذکر دادن [لازم] است، باشد که [از استهزا] پرهیز کنند.

تفسیر:

رفت و آمد مؤمنان به مسجد الحرام پس از نزول آیه قبلی، بسیار سخت شد. آنها می‌پنداشتند که حضورشان در مسجد الحرام ممکن است گناه محسوب شده و آنها را شریک جرم مشرکان قرار دهد. این آیه به آنها اجازه می‌دهد به آنجا بروند، ولی تقوای خود را حفظ کنند و از حضور داوطلبانه در جمع مشرکان هرزه‌گو خودداری کنند.^{۲۴}

اگر با دقت به آیه بنگریم خواهیم دید که خداوند پس از حکم کلی بر «عدم حضور مؤمنان در مجالس مشرکان»، به بیان یک استثنا پرداخته و می-فرماید: البته اگر افرادی با تقوا و مورد اطمینان بخواهند با حضور در جلسات آنها به «نهی از منکر» پردازند، اشکالی ندارد^{۲۵} و مطمئن باشند که در چنین صورتی مسئول گناهان آنها نخواهند بود^{۲۶}، مگر این که با آنها هم‌نوا شوند یا از گفتار آنها راضی باشند که در این صورت، هر دو گروه گناهکارند؛ با این تفاوت که عمل مشرکان، «ارتکاب به گناه» است و عمل سایرین حاضر در

۲۵. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۹۱.

۲۶. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۳۸.

مجلس «رضایت به گناه آنان» و محاسبه گناه، شامل
گروه اول می شود.^{۲۷}

□ آیه ۷۰: وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا
وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَرُوهَ بِهٍ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا
كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ
كُلَّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذَ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا
كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا
يَكْفُرُونَ

ترجمه: و کسانی که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفته است رها کن و [مردم را] به وسیله این [قرآن] اندرز ده، مبادا کسی به [کیفر] آنچه کسب کرده به هلاکت افتد، در حالی که برای او در برابر خدا یاری و شفاعتگری نباشد، و اگر [برای رهایی خود] هر گونه فدیة ای دهد، از او پذیرفته نگردد. اینانند که به [سزای] آنچه کسب کرده‌اند به هلاکت افتاده‌اند، و به [کیفر] آنکه کفر می ورزیدند، شرابی از آب جوشان و عذابی پر درد خواهند داشت.

تفسیر:

در تکمیل آیه قبل، خدا به پیامبرش دستور می‌دهد: از کسانی که دین خود را به شوخی گرفته و یک مشت سرگرمی را به حساب دین می‌گذارند، دوری کن^{۲۸}؛ چه آنکه اینان فریفته زندگی دنیا شده‌اند و وابستگی به دنیا، ریشه هر فساد و گناه است که سرانجامش هلاکت می‌باشد.^{۲۹} بر این اساس پیامبر رحمت ص، مأمور می‌شود که با قرآن به انداز آن‌ها بپردازد و آگاه‌شان کند که سرانجام گناه و هواپرستی، عذاب الهی است؛ عذابی که برای

۲۸. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۹۲.

۲۹. تسنیم، ج ۲۵، ص ۵۲۸.

خلاصی از آن، هرچه بدهند باز هم کم است و مورد قبول واقع نمی‌شود؛ زیرا روز قیامت روز پاداش اعمال است نه روز خرید فروش و یا روز توبه کردن. همچنین به آن‌ها بگو که در قیامت کسی به داد کسی نمی‌رسد، مگر خداوند متعال^{۳۰} و مسلم است که خدا نه تنها از این‌گونه افراد دستگیری نمی‌کند، بلکه از شراب سوزان به آن‌ها می‌نوشاند.^{۳۱}

سؤال و جواب

سؤال: این آیه می‌فرماید: دین ستیزان را به خودشان واگذار و آیات جهاد هم دستور می‌دهند که با دین -

۳۰. المیزان، ج ۷، ص ۲۰۴؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۴۱.

۳۱. تسنیم، ج ۲۵، ص ۵۲۸، ۵۲۹.

ستیزان وارد جنگ شوید. آیا این دو آیه با هم متضاد نیستند؟

جواب: خیر؛ زیرا جهاد دارای شرایطی است و بی اعتنایی به کفار و دین ستیزان هم شرایط و ظرف دیگری دارد. هر کدام از این دو در جای خود باید انجام گیرد. بنابراین کسانی که فکر می کنند آیات جهاد، آیه مذکور (انعام/۷۰) را نسخ کرده، صحیح نیست.^{۳۲}